

بانی و مؤسس این مؤسسه است. در این کتاب، که در سال ۱۳۰۵ هجری قمری در تهران چاپ شده است، به شرح حال و خدمات این بزرگوار پرداخته شده است. این کتاب در ۱۰۸ صفحه درج شده است. مؤلف این کتاب، که در سال ۱۳۰۵ هجری قمری در تهران چاپ شده است، به شرح حال و خدمات این بزرگوار پرداخته شده است. این کتاب در ۱۰۸ صفحه درج شده است.

امیر علیشیر نوایی

مو قوفات نوایی
 امیر علیشیر آنچه در زندگی یافت صرف راهبهای خیریه نموده و در تأمین حیات و آسایش درویشان و مساکین وقف کرده است. علیشیر مقدار تمام وقف کردگی خود را که عبارت از زمین و باغ و غیره باشد بطور مفصل طی وقفنامه ای بنام (دیباچه موقوفات) بزبان ترکی نگارش داده است. این وقفنامه معرف تمام حیات باسعادت و روش زندگی علیشیر میباشد.

قریب ۲۵ ورق این وقفنامه در شرح موقوفات مدرسه اخلاصیه و باقی در پیرامون وقفهای دیگر علیشیر که بدو قسمت منقسم اند، میباشد. (خلیلی: آثار عرات؛ مقدمه وقفنامه ترجمه حکمت.)

قسمت اول موقوفات
 تیم طایفه فر و شان واقع در بازار ملک داری - عمارت دو طبقه ای - پنج باب دکان مرکز شهر هرات : متصل بهم واقع در جنوب تیم مذکور بنا یک باب دکان دیگر - یک باب دکان نمد فروشی با بالاخانه واقع در شرق تیم مذکور. یکباب تیم چه و چارباب دکان متصل بهم واقع در دروازه عراق - یکباب تیم چه

دوطبقه ای واقع در دروازہ ملک و هشت باب دکان در اتصال تیمچه - و دواب
دکان واقع در کوچه زاغان .

قسمت دوم موقوفات

در بلوک النجان در موضع فراشان یک قطعه

توابع شهر هرات :

باغ بمساحت ۲۸ جریب و ۲۳ جریب متصل هم .

یک قطعه باغ بمساحت ۱۸ جریب که دو ونیم جریب آن تا کستان است - در بلوک
انجیل یک قطعه زمین بمساحت چار جریب - در بادمرغان یک قطعه زمین بمساحت
چار جریب - در محله خواجه شهاب - باغات و چند جریب زمین و دو قطعه تا کستان
متصل بهم ۳۳ جریب - در محله سفلا - دو قطعه باغ انگور بمساحت دوازده جریب
متصل بهم - در محله سفلی یک قطعه باغ بمساحت چار جریب - در محله سفلی - چند
قطعه باغ بمساحت ۶۰ جریب زمین - در محله سفلی - تا کستان ۲۶ جریب زمین
و چار جریب زمین - در محله سفلی - زمین ۱۸ جریب و یک باغ ۱۲ جریب - در محله
سفلی - زمین ۱۹ جریب و باغ ۱۴ جریب - در محله سفلی یک قطعه باغ بمساحت
یک ونیم جریب - در ولایت بادغیس : جمیع چشمهها . . . در ولایت هرات رود :
تمام باغات و درختان و باغات و سرای و باغچه با سایر اراضی آن (رک : مقدمه و قفنامه)

حقوق سا لیانه

ارباب و وظایف موقوفها :
عدد طلا و بیست و چار بارغله که یک ثلث آن
جو و دو ثلث آن گندم باشد .

در هر حلقه درس یازده طالب علم مشغول تحصیل میباشند که من حیث المجموع
بیست و دو تن هستند بشش تن اول که قوی و عالی هستند بهر کدام ۲۴ عدد طلا
و پنج بارغله - بهشت تن متوسط بهر یک شانزده عدد طلا چار بار گندم و هشت تن اخیر
بهر کدام ۱۲ عدد طلا و سه بارغله .

برای شش نفر حافظ یکی را که از دیگران خوش آواز تر است پانصد طلا
و پانزده بار گندم و جو بالمناصفه و بهر کدام از دیگران یکصد و هشتاد عدد طلا
و چار بار گندم . برای شیخ : نقد یک هزار طلا و ده بارغله، نصف گندم و نصف جو،

بواعظ : نقد پانصد عد در طلا و ده بار گندم . با مام : که در مسجد خطیب بوده
 و مکتب هم میگیرد - کذا - نقد پانصد عد در طلا و گندم ده بار برای مقری : نقد
 دو بیست طلا و گندم پنج بار . طبایخ خانقاه : نقد دو بیست و هشتاد عدد طلا و پنج بار گندم .
 طبق چی : نقد دو بیست طلا و پنج بار گندم . یک فراش و دو خادم بهر کدام نقد یکصد
 طلا و گندم پنج بار . متولی برای حفظ آبادی و نسق زراعت ولایات نقد سه هزار
 عدد طلا و سی بار غله .

ازین مقدار چار دانگ خودش میگیرد و دو دانگش را بدان دو میدهند . مشرف :
 نقد پانصد طلا و غله پنج بار . صاحب جمع : نقد پانصد طلا و غله ... بار .

رواتب و وقفنامهها :

من گندم و پنج من پالوده از دوشاب و آب مویز

بامصالحی که لازم است سی طبق بآن یکصد و پنجاه من حلوا - و بیست من گوشت
 و بیست من گندم حلیم کرده با پنجاه من نان قسمت کنند .

عاشورا : روز عاشورا چهل من گوشت بامصالح دیگر بقدر ضرورت - آش پخته
 با پنجاه من نان قسمت کنند .

ربیع الاول : درد و ازدهم ربیع الاول پنج راس گوسفند بامصالح آن آش بپزند
 با پنجاه من نان و بیست من حلوا ی شکر .

رجب : در نیمه ماه رجب روز استفتاح بیست من حلوا .

نیمه شعبان : در نیمه شعبان روز برات سی من ... بیست من حلوا .

سال : چارما سال که قوس جدی ، دلو و حوت میباشند و هوا سرد است هر روز
 یکصد عدد نان و بیست من گندم برای حلیم و گوشت نیز مرتب سازند و اگر
 گوشت پیدا نشد آش پخته و بفقرا بدهند و هشت ماه دیگر سال را هر روز بفقرانان
 توزیع کنند (رک : مقدمه مجالس التغایس و ترجمه آن)

متولی باید هر سال دو بیست تا پوسین و دو بیست
 شرایط وقفنامهها : کلاه و دو بیست جفت کفش و دو بیست تا پیراهن
 و دو بیست تازیر شلواری خریداری کرده بار باب استحقاق نسبت با استحقاق ایشان
 برساند و هر سال چارصد لیرا بفرش و بور یا و چراغ خانقاه و مسجد و مدرسه مصرف
 کند و هر چه برای خانقاه از سفره و دیگ و طبق و قاشوق و غیره لازم باشد
 تهیه کند. فراش و خادم هر شب باید در مدرسه و مسجد و خانقاه و دارالحفاظ
 شمع روشن کنند.

مقری و خادمها و فراش باید بهمدیگر کمک کنند. در میان مدرسه و خانقاه هر خرابی
 روی دهد سال بسال آنرا مرتب سازند تا آمد رفت برای مسلمانان دشوار نشود.
 در سرهرسی سال متولی و فقیرها از سر نو نویسانده پس از مقابله با سجلات قضاة
 موشح دارد تا بمرور ایام پوسیده نگردد.

هیچگاه گماشته گان صدور و متولیان در عمل این سرکار مدخله نباید
 بکنند. مادامیکه موافق شرط و اقف عمل میکنند از عمل این سرکار صورت جمع
 و خرج نباید بخواهند و هیچ چیز از آنان نباید بگیرند که بایشان حلال و مباح
 نخواهد بود.

چون فقیر در موقع وقف کردن این محدودات بروقفیت آنها اقرار کرده
 و بتصرف شخصی از قبل خود واگذار کرده و او را متولی نمودم و قضاة عظام در ضمن
 مرافعه شرعی حکم بروقفیت کرده و این محدودات را با سجلات خود موشح و با توقیعات
 خود موضح نمودند و مخلص و موبد بودن این بقاع معلوم گردید - کذا - خداوند
 بجمع مومنان مبارک فرماید آمین یا رب العالمین (رک: ترجمه وقفنامه)

اندر لشکر د اشتن از هر جنس

عادت سلطان محمود چنان بودی که از چند جنس لشکر داشتی چون ترک و خراسانی و عرب و هندی و دیلمی و غوری و در سفر هر شب از هر گروه معلوم کرده بودند که چند مرد بیتاق (کذا) رفتندی و جایگاه هر گروهی بیدار بودی و هیچ گروه از بیم یکدیگر نیا رستندی جنبیدن تا روز و اگر روز جنگ بودی هر جنس مصاف کردند و بنام و ننگ خود بکوشیدندی تا کسی ننگتی که فلان جنس در جنگ سستی کرد و همه در آن کوشیدندی که از یکدیگر بر آیند و چون قاعده مردمان جنگی چنین بود همه سخت کوش و نامجوی باشند لا جرم چون دست سلاح برند قدم با ز پس دهند تا لشکر مخالف را نشکنند و هر آنکه که لشکر یکی باز یا دوبار جیره گشت و در مخالف ظفر یافت بعد ازان صد سوار ازین هزار سوار مخالف ننگند و کسی نیز باین لشکر منصور مقامت نتواند کرد و همه لشکر اطراف از لشکر این پادشاه بترسند و طاعت دار شوند.

سیاست نامه نظام الملک